

Jan. 11, 1989

برایه بسیار عزیز و دوست یگانه ام ، نامه کوچکی از طرف من به شما رسید ، امید است
انگلیس دست یابد که با این اندازه در این زمان نامه با ما فرستاده شود در حال از
خواندن نامه کوتاه بهت می آید که چقدر بدم و از سوزنم که دستم بود خوشحال شدم
کجوهی که حد فدا را در آن بیست و پنج با هم بودم تطبیق کردی ، چه زود عمر میگذرد!
چه میگذرد ، با به ما می آید که امید دارم با زودی دیدار با سه زنم بود ،
میدانم چو این روزها چینی دلم میگذرد ، می بینم ، با همی امروز (اولان ساعت
ده شب است) بعد از ظهر بعد depressed بودم که لغتم کردم ، می شود که از خانه
برویم بدون ، رفتیم Fashion Valley ، با دست بهت ، قدرش کوئی بخارنه که گشتم و
بعد از رفتن یک ساعت چینی مدی خریدم و برگشتم ، منم ، آنکه محمد و سوزنچه از شما هستند
با زنها هستیم ، یعنی اگر حیوان کنی منم ، کوئی میوانم ، مثل ایران ، بگر که بله شویم و
برویم نزل آ ۷ ، اینوار نیست ، حیوان کنی مثل آن چند روز است که شما اینا بودید
اگر هم چینی مشغول شویش بسیار و بیفته از چند روز هم در نمازخانه کار میکنه
اگر هم دو دریک که بودیم بعد خوب بودیم که بیستم بهیچوقت حس تنهایی نمیکنم
چون برویت با تو هستیم خوشحال ام ، نگه با بیخوش میبود آن چینی که می کردیم
خوب بلکنم (مثل اینکه فارسی من آب کشیده است !!) ، زواله جان کوئی رسیدی برام
نویس ، میدانم بعد از این سنت خواهد بود و کوئی مثل کبوتر دو پرچه شد ، جانم دل
اینکه در این دو بوج میزانت را دارم ، کوئی خوب است (با کشتار مواکفی که با هم
جنت میکنم !!) دست چینی سلام میسازد ، میگویم تقصیر منم است که موقعی که که (اینجا بودی
با وقت ندارم بنظر با تو صحبت کنه و بنگه بهت بر انگارم ، انگاله دفعه دیدم ،
نامه شهرام را با دادم گفت خوشی تودا را می برداد ، نه نوشته است ، او قول منم
برو ، بهر داد را بیوس و بگو میدانم و از زمانه نقد بیستی کو بارش مثل بیوس و ما سخن هستی
و هی دوست دارم ، و اما از لیلی چی ، بالأخر تقصیر خودی با بسندل گرفت
و یک نازدی کو چوئی گشتم ، یعنی محمد و سوزنچه را دعوت کردیم ، محمدی هم مشغول است
ببینه در یک نفس جا بگذرد ، در آن نفس که نهد داد خوانه هم دارد گفتی سلیقه منم
با درستی که جا بریزد کردن پار عمده در نفس ، از خوب بعد مشکل است حلیم
تا تا کتبان جا پیدا شود ، مطابق رسم امریکا هم تمام خارج عمده از طرف عمده است
مکتبم با آنکه کسب منم و دانست چینی دان تمام شود ، البته منم صلی خصلت
دل در ضمن کسی هم دارم که با داللی صد درصد راضی باشه ، انگاله دست در دست او
زیر کسب منم و نهد داد باشه و این دو نویسم همی خودش کنی را پیدا کنه .

از قول نبی به خاتم حیات صلی علیہ وسلم سلام رسان ، انور باو تکفوا که خود
براله عین پیام نامه بدلس ، تیرکم دکن پیش بدیع دیگر از هم خبر نه داشتند
یا لیس ، که رخ کویر دم
علی

Additional message area: